

## بررسی و نقد کتاب تحلیل انتقادی انگاره ترجمه قرآن کریم

محسن حسن‌وندی<sup>۱</sup>، سهراب مروتی<sup>۲</sup>

(دریافت: ۱۴۰۰/۳/۲۴ - پذیرش: ۱۴۰۰/۶/۸، نوع مقاله: مطالعه موردی)

### چکیده

ترجمه قرآن کریم، یکی از مباحث حوزه قرآن‌پژوهی است که به ویژه در سده اخیر با ابهام‌ها و سؤال‌های مختلفی همچون امکان ترجمه قرآن، جواز ترجمه قرآن، اصول و شرایط ترجمه قرآن و مبانی ترجمه قرآن روبه‌رو بوده و در مواقعی به مجادلات، حرق و خرق ترجمه‌ها و صدور حکم ارتداد برای مترجمان و قائلان به ترجمه منجر شده است. کتاب *تحلیل انتقادی انگاره ترجمه قرآن کریم*، اثر دکتر سهراب مروتی (۱۳۹۴)، با هدف پاسخ به این نوع سؤال‌ها و ابهام‌ها نگارش یافته که به ادعای نویسنده، در این زمینه نخستین منبع به زبان فارسی بوده و به تمامی سؤال‌ها پاسخ مستند و مستدلی داده است؛ لذا، نگارنده این مقاله بر آن است تا اثر مذکور را با هدف تبیین نقاط قوت و ضعف آن مورد بررسی و نقد قرار داده، آن را به خواننده اثر بشناساند. این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی، به روش اسنادی و براساس اصول و شیوه‌های رایج در نقد منابع مکتوب انجام شده است.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، ترجمه، انگاره ترجمه قرآن، نقد و بررسی و سهراب مروتی.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران (hasanvafa88@yahoo.com) (نویسنده مسئول).

۲. استاد، گروه قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران.

University Textbooks; Research and Writing  
Vol. 25, No. 48, Spring & Summer 2021, 184-203  
DOI: 10.30487/rwab.2021.532166.1456  
DOR: 20.1001.1.26767503.1400.25.48.3.2

### **Critical Evaluation of the book “*Critical Analysis of the Idea of Translation of the Holy Quran*”**

Mohsen Hasanvandi<sup>1</sup>, Sohrab Morovati<sup>2</sup>

Received: 14/06/2021 - Accepted: 30/08/2021

#### **Abstract**

The issue of translating the Holy Quran is one of the discussions in the field of Quranic research, which has been subjected to many ambiguities and questions such as the possibility of translating the Quran, the permissibility of translating the Quran, the principles and conditions of the translation of the Quran and the principles of translating the Quran and in some cases, it has led to controversy, burning and shredding some translation and branding the translators and believers in translation as apostates. The book “*Critical Analysis of Translating the Holy Quran*” by Dr. Sohrab Morovati has been written with the aim of answering these kinds of questions and ambiguities. According to the author, this is the first source in Persian and has answered all the questions in a documented and reasoned manner. Therefore, the author of this article intends to examine and critically examine the mentioned work to explain its strengths and weaknesses and to introduce it to readers interested in such works. The research has been done with a descriptive-analytical approach, in a documentary method, and based on the common principles and methods of critical evaluation of written sources.

#### **Keywords**

Holy Quran, Translation, Quran translation, hypothesis, and Sohrab Morovati

- 
1. Ph.D. student of Quran and Hadith Sciences, Department of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Theology, Ilam University, Ilam, Iran, (hasanvafa88@yahoo.com) (Corresponding Author).
  2. Professor of the Department of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Theology, Ilam University, Ilam, Iran, (sohrab\_morovati@yahoo.com).

## مقدمه

بر اساس مستندات تاریخی، از همان سده‌های نخستین اسلام تاکنون، ترجمه قرآن ولو به صورت غیر رسمی آن معمول بوده و در این زمینه ممانعتی دیده نشده است. در بین دانشمندان پیشین نیز، بحث پیرامون ترجمه، به طور همه‌جانبه و در تمام ابعاد آن مطرح نشده است؛ «بلکه کلام آنان درباره ترجمه، در بحث از شرایط قرائت در نماز آمده است و از کلماتشان در این بحث استفاده می‌شود که ترجمه اشکالی ندارد» (معرفت، ۱۳۷۹، ۱۳۷). بنابراین، در باب سرآغاز بحث امکان و جواز ترجمه قرآن می‌توان گفت که «این بحث، برای اولین بار از مسئله جواز قرائت حمد و سوره به غیر تلفظ عربی در گرفته است» (نقی پورفر، ۱۳۸۱: ۳۴۸). به دنبال آن، بحث ترجمه قرآن از حد بحث قرائت در نماز فراتر رفته و با موضوعیت یافتن طرح تبلیغ قرآن برای همگان، عده‌ای آن را به دلایلی همچون همگانی و جهان شمول بودن تعالیم قرآن (خویی، ۱۳۸۴: ۷۰۴) و ضرورت تبلیغی ترجمه و آشنا ساختن جهانیان با حقایق و معارف قرآنی (معرفت، ۱۳۷۹: ۱۲۸)، جایز و بلکه لازم دانسته‌اند؛ نیز جهت‌گیری علمای شیعه نیز در همین راستا بوده است.

اما در سده‌های اخیر «عده‌ای معتقد بودند که ترجمه قرآن، صحیح نیست؛ چون زبان اصلی قرآن، عربی است و این زبان، شعار اسلام و مسلمانان است و قرآن کریم اسمی است شامل نظم و معنی هر دو و اگر قرآن ترجمه شود، نظم آن بر هم می‌خورد و این تعریف، بر آن صادق نخواهد بود» (عقیقی‌بخشایشی، ۱۳۸۷: ۸۰). این دیدگاه، متعلق به جمعی از علمای اهل سنت بوده و دلیل اصلی طرح آن، وجود اشکالات اساسی در ترجمه‌های صورت گرفته از سوی مستشرقین در قرن سیزدهم و به خصوص، رواج و رسمیت یافتن ترجمه ترکی از قرآن کریم توسط دولت عثمانی، مصطفی کمال، بوده است. «وشاید اندیشه‌ای استعماری از سوی مسیحیان باشد که در تلاشی برای ایجاد سد و مانع در مقابل نشر تعالیم اسلام و جلوگیری از گسترش آن به سرزمین‌های غیر عربی ابراز شده باشد» (معرفت، ۱۳۷۹: ۱۲۹).

از قائلین به نبود جواز ترجمه قرآن کریم که بعضی از آنان نیز مستندات تاریخی ترجمه را دلیل بر جواز تفسیر می‌دانند، می‌توان به مصطفی شاطر (۱۳۵۵ق: ۱۵-۱۶)، محمد رضا (ر.ک.: رضا، ۲۰۰۸م: ۲۵-۳۸)، محمد عبدالعظیم زرقانی (ر.ک.: زرقانی، ۱۳۸۵: ۷۱۰-۷۲۰) بدرالدین محمد بن بهادر زرکشی (ر.ک.: زرکشی، بی‌تا: ۴۴۷) و غیره اشاره نمود. اما آنچه بدیهی است، به دلیل جهانی بودن پیام قرآن: «إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ» (ص:

۸۷؛ تکویر: ۲۷)، از همان ابتدای اسلام، ترجمه قرآن صورت گرفته است؛ به عبارتی، تاریخ ترجمه قرآن با تاریخ نزول آن هم‌زمانی دارد. اما ضمن انجام ترجمه‌های متعدد، در قرن سیزدهم و به خصوص از سوی اهل سنت، سؤال‌های مختلفی طرح شد: آیا قرآن کریم ترجمه پذیر است یا خیر؟ آیا ترجمه قرآن، خود قرآن است یا خیر؟ آیا ترجمه قرآن را می‌توان در نمازهای یومیه قرائت نمود یا خیر؟ دلایل موافقان ترجمه قرآن کریم چیست؟ دلایل مخالفان ترجمه قرآن کریم چیست؟ تأثیر مبانی معرفتی مترجمان بر ترجمه قرآن کریم چگونه است؟ و ده‌ها سؤال دیگر در این زمینه که می‌تواند پاسخی مستند و مستدلی به آن‌ها داده شود (مروتی، ۱۳۹۴).

از جمله کتبی که در مورد مبانی ترجمه قرآن و سؤال‌های مذکور به نگارش درآمده است، کتاب *تحلیل انتقادی انگاره ترجمه قرآن کریم* (مروتی، ۱۳۹۴) است. این کتاب، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد نویسنده اثر است که بازنگری شده و با هدف پاسخ به سؤال‌های مطرح درباره ترجمه قرآن کریم، منتشر گردیده است.

مقاله حاضر، اولین اثر پژوهشی است که به بررسی و نقد این کتاب پرداخته، نقاط ضعف و قوت آن را مشخص کرده و همچنین اشکالات شکلی و محتوایی را تبیین و پیشنهادات لازم را ارائه نموده است. از امتیازات این پژوهش که بر وجهه علمی آن می‌افزاید، بهره‌برداری از راهنمایی و تأیید نویسنده کتاب مورد بررسی و نقد است.

### معرفی کلی کتاب و نویسنده آن

کتاب *تحلیل انتقادی انگاره ترجمه قرآن کریم*، اثر دکتر سهراب مروتی، در ۱۳۹۴ از سوی انتشارات جوهر حیات به چاپ رسید و همان‌طور که در مقدمه آن آمده است، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد مؤلف (۱۳۷۰-۱۳۷۱) بوده که ضمن بررسی مطالب آن از سال ۱۳۹۱ در کلاس‌های دوره دکترای علوم قرآن و حدیث دانشگاه ایلام، با هدف پاسخ به سؤال‌ها و ابهام‌های مربوط به حوزه ترجمه قرآن کریم، تکمیل و تدوین یافته است. این سؤال‌ها عبارت‌اند از:

۱. آیا می‌توان قرآن کریم را به زبان‌های دیگر ترجمه کرد؟
۲. در صورت مثبت بودن جواب سؤال ۱، آیا ترجمه قرآن، قرآن است؟
۳. چه کسانی و با چه دلایلی با ترجمه قرآن کریم موافق هستند؟
۴. چه کسانی و با چه دلایلی مخالف ترجمه قرآن کریم هستند؟

کتاب مذکور، تک جلدی، در ۲۷۳ صفحه و مباحث آن در قالب یک مقدمه و هفت فصل بدین شرح است:

فصل اول، کلیات: پس از بیان مقدمه کتاب، در این فصل کلیات مباحث، یعنی معنانشناسی واژگان، رابطه ترجمه و معنا و اهمیت توجه به معنا و ترجمه آیات بیان شده است.

فصل دوم، سیری در ترجمه‌های قرآن کریم: که در این فصل، بعد از ارائه تاریخچه ترجمه، ترجمه‌های کهن و جدید قرآن کریم به زبان فارسی و غیر فارسی معرفی شده است.

فصل سوم، اصول و شرایط ترجمه قرآن کریم: این فصل عهده دار تعریف انواع ترجمه، میزان ترجمه‌پذیری قرآن کریم، شرایط لازم برای ترجمه، مشکلات ترجمه و عوامل بازدارنده آن است.

فصل چهارم، ضرورت ترجمه قرآن کریم و شبهات مخالفین: در این فصل ضمن بیان دلایل ضرورت ترجمه قرآن کریم، شبهات مخالفین ترجمه این متن وحیانی مورد بررسی و نقد قرار گرفته است.

فصل پنجم، مبانی ترجمه قرآن کریم: که پیش‌فرض‌های فکری عمومی و خاص حاکم بر ترجمه قرآن کریم، ذیل عنوان مبانی ترجمه مورد بحث قرار گرفته است. فصل ششم، ترجمه قرآن، قرآن نیست: که در آن دلایل مؤید این مسئله بررسی شده است.

فصل هفتم، روش‌شناسی مترجمان قرآن کریم: در این فصل با ارائه نمونه‌ای چند آیه و ترجمه‌های صورت گرفته آن‌ها، روش‌شناسی مترجمان بررسی و نقاط ضعف و قوت آن‌ها معرفی شده است.

همچنان که مؤلف خود در مقدمه کتاب آورده است: «این کتاب پاسخ مستند و مستدل به تمامی سؤالات مرتبط با ترجمه قرآن کریم است» (مروتی، ۱۳۹۴: ۱۰). نویسنده کتاب مورد بحث، هم‌زمان با نگارش این مقاله، با درجه استادی در گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات دانشگاه ایلام، مشغول فعالیت آموزشی و پژوهشی است.

### تحلیل و نقد کتاب مورد پژوهش

از آنجا که «رسالت بررسی کتاب، آگاه کردن علاقه‌مندان از ساختار و محتوای

کتاب‌هاست» (حری، ۱۳۸۰: ۱۹۴)، در این نوشتار نیز با این هدف و به دلیل انتقادی بودن آن، بایستی همه ابعاد کتاب از ساختار و محتوای آن بررسی گردد؛ بنابراین سعی شده است تا مسائل اساسی و حائز اهمیت آن، از چهار بُعد: روش، شکل و صورت، محتوا و سرانجام، هدف و نتیجه، به طور نقادانه بررسی شود.

### ۱. روش تهیه کتاب

همان‌طور که گفته شد، این کتاب، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد نویسنده بوده که طی بحث و بررسی در کلاس‌های دوره دکترای علوم قرآن و حدیث دانشگاه ایلام و نیز حذف و اضافات لازم مطالب آن به چاپ رسید؛ با توجه به هدف و ماهیت پایان‌نامه‌ها و رساله‌های تحصیلات تکمیلی، بالطبع دارای ماهیت و روشی پژوهشی است که با هدف جواب به سؤال‌هایی مشخص تدوین شده است. بنابراین، باید هدف‌مند و مسئله‌مند بودن آن را از ویژگی اصلی آن دانست؛ که با دقت در مطالب آن می‌توان دریافت؛ بدین معنا که مطابق مقدمه کتاب و همچنین فصول هفتگانه آن، نویسنده در پی جواب به سؤال‌های محوری مذکور است و هر چند در کلیت انتخاب عناوین فصول کتاب نوآوری دیده نمی‌شود، اما محتوای مجموع فصول کتاب، با هدف پاسخ به این سؤال‌ها تدوین یافته است که این خود از نقاط قوت اثر است. اما اینکه قبل از چاپ به عنوان کتاب و بعد از آن، به عنوان یکی از منابع پیشنهادی درس تحقیق درباره ترجمه قرآن در دوره دکترای علوم قرآن و حدیث قرار گرفته، خود یکی از نقاط ضعف آن است. دو دلیل برای این امر می‌توان ارائه کرد: ۱) بدون بررسی جامع مطالب آن، یکی از منابع تکمیلی دوره دکترای محسوب شده، حال آنکه انتخاب چنین منابعی بایستی مورد اجماع و اتفاق جامعه علمی واقع شود؛ به عبارت بهتر، «اثری به منزله منبع درسی برای مقطع کارشناسی و ارشد لحاظ می‌گردد که یا محصول سال‌ها تدریس در دانشگاه‌ها باشد یا محصول یک پژوهش مستمر و طولانی مدت تا در بازه زمانی تدریس و تحقیق، بسیاری از نقاط ضعف، شناسایی و نقاط قوت تقویت شود و اثری شایسته به مثابه منبع درسی در اختیار دانشجویان قرار گیرد» (امینی، ۱۳۹۷: ۹۷) و این مسئله، در دوره دکترای به طریق اولی از اهمیت بیشتری برخوردار خواهد بود و ۲) چنانچه بازخوانی مطالب آن، مطابق رسم آثار علمی، از سوی استادان صاحب نظر و علمای فن صورت می‌گرفت، قطعاً بر غنای مطالب آن می‌افزود؛ حال آنکه آن را یکی از دانشجویان دوره دکترای بازخوانی کرده است و همین امر، در نگاه مخاطبان -

حداقل استادان و علمای فن - بر اثر و محتوای آن تأثیر می‌گذارد. از آنجا که جمع‌آوری مطالب در این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای است، مهم‌ترین ابزار آن نیز کتاب و سایر منابع مکتوب است؛ لذا، آنچه بر ارزش روش پژوهش می‌افزاید، انتخاب کتاب و منابع دست اول و غنی در این زمینه است که این مسئله مستلزم آشنایی دقیق نویسنده با منابع مرتبط و کتاب‌شناسی‌اش خواهد بود. در این زمینه، نویسنده در حد مقبولی موفق بوده و به منابع مهم در حوزه قرآن و ترجمه قرآن مراجعه کرده است.

## ۲. شکل ظاهر و صورت کتاب

آنچه در مورد شکل ظاهر و صورت هر کتاب مورد توجه قرار می‌گیرد عبارت است از: (۱) زیبایی شناختی و هنری کتاب، همچون عنوان زیبا و متناسب با محتوا، طرح جلد و صفحه‌آرایی و (۲) اطلاعات ادبی و قواعد نگارشی، از قبیل رعایت قواعد نگارش، رسم‌الخط، و علائم سجاوندی است. در ادامه، میزان دقت در رعایت این موارد در کتاب مورد بحث به شرح ذیل بررسی می‌شود:

### الف) عنوان کتاب

به طور معمول، عنوان هر کتاب یا صراحت در موضوع دارد یا به صورت کنایی و استعاری بیانگر موضوع است. عنوان انتخاب‌شده برای کتاب مورد نظر، نه کنایی است و نه استعاری؛ بلکه هدف نویسنده از انتخاب این عنوان، تصریح در موضوع است. اما از آنجا که موضوع کتاب - همچنان که در مقدمه اثر (ص ۹-۱۰) بدان اشاره شده است - ترجمه قرآن کریم بوده و هدف نویسنده، پاسخ به سؤال‌ها و ابهام‌های پیرامون آن، اثبات ضرورت ترجمه و رد انگاره ترجمه‌ناپذیری قرآن است؛ این عنوان نه تنها درست و دقیق نیست، بلکه آنچه از آن به دست می‌آید، اصل ترجمه‌ناپذیری و نبود جواز ترجمه قرآن کریم بوده و ترجمه‌پذیری، انگاره‌ای به نظر می‌رسد که نویسنده به بررسی و نقد آن پرداخته است. لذا بهتر آن بود که عنوان «تحلیل انتقادی انگاره ترجمه‌ناپذیری قرآن کریم» برای این کتاب انتخاب می‌شد.

### ب) طرح جلد

طرح روی جلد کتاب با موضوع آن، یعنی ضرورت و جواز ترجمه قرآن کریم، تناسبی

ندارد؛ آیات «الم» (بقره: ۱؛ آل عمران: ۱؛ عنکبوت: ۱؛ روم: ۱؛ لقمان: ۱؛ سجده: ۱) و «کهیص» (مریم: ۱) روی جلد، از حروف مقطعه قرآن کریم‌اند و چون مدلول لفظی ندارند، ترجمه‌بردار نیستند؛ بنابراین، طرح روی جلد و آیات منتخب و مندرج روی آن برای انتقال مفهوم ترجمه‌ناپذیری قرآن مناسب‌تر به نظر می‌رسد تا مفهوم جواز ترجمه که نویسنده در پی اثبات آن است. به همین دلیل، بهتر آن بود که طرح روی جلد به گونه‌ای انتخاب می‌شد تا گوهر متن و محتوای کتاب به تصویر کشیده و خواننده اثر، با نگاه اول به آن، به موضوع کتاب سوق داده شود.

#### ج) شاخص‌های چاپی

برای چاپ کتاب‌های فاقد تصویر، انتخاب چاپ افست، مناسب‌تر از چاپ دیجیتال است که این مهم، در کتاب مورد بحث لحاظ شده است؛ اما صحافی آن چندان با دوام نیست. صفحه‌آرایی اثر نیز، جز در چند مورد، مطلوب است؛ از جمله در سطرهای ۱۳ و ۱۴ از صفحه ۱۳۴. بین متن عبارت، اتصال وجود ندارد (علی‌رغم آنکه جمله به پایان نرسیده و ادامه دارد، از وسط سطر منقطع شده و ادامه آن در پاراگراف بعدی آمده است). اگر اندازه فونت کتاب نیز یک شماره کوچک‌تر انتخاب می‌شد، بر زیبایی و جذابیت آن می‌افزود. همچنین در سهولت استفاده مخاطبان آن، به خصوص در بازیابی سریع اطلاعات مربوط به آیات و روایات، به عنوان مفاهیم قابل نمایه‌شدن، خلل وارد شده است. آنچه در خصوص نمایه کتاب پیشنهاد می‌شود، در نظر گرفتن نمایه اشخاص و همچنین نمایه‌های آیات و روایات، به منظور تسریع و تسهیل جست‌وجوی مخاطب، برای دستیابی به اطلاعات مورد نیاز است.

#### د) اصول سجاوندی و شیوه نگارش

دقت در استفاده از علائم سجاوندی و رعایت اصول و قواعد نگارش فارسی، دو مقوله پر کاربرد و جزء لاینفک متون و نوشته‌هاست و در فهم محتوای آن‌ها نقش مهمی ایفا می‌کند؛ رعایت این قواعد در متن، «خواندن و در نتیجه، فهم درست مطالب را آسان، و به رفع پاره‌ای ابهام‌ها که از انعکاس نیافتن دقیق و روشن عناصر و دلالت‌های گفتاری در نوشته پدید می‌آید، کمک می‌کند.» (احمدی گیوی و همکاران، ۱۳۸۲: ۳۳). نقطه (.)، ویرگول (،)، نقطه ویرگول (؛)، گیومه (»«)، علامت سؤال (؟)، دو نقطه (:)، از جمله علائم



سجاوندی‌اند که در نگارش متون فارسی کاربرد زیادی دارند. رعایت نکردن این موارد به صورت مکرر و در جای‌جای مطالب کتاب مورد بحث دیده می‌شود که در نتیجه، خواننده در مطالعه روان و یکنواخت اثر با مشکل مواجه می‌شود؛ برای نمونه می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. استفاده نکردن و یا استفاده نادرست از ویرگول و نقطه ویرگول. به کار بردن علامت ویرگول و نقطه ویرگول به صورت غیر قاعده‌مند در موارد بسیاری از متن دیده می‌شود، مانند «گروهی معتقدند؛ ترجمه بر وزن زلزله، اسم رباعی به معنای شرح و نقل از زبانی به زبان دیگر است.» (ص ۱۳، سطر ۲) که آوردن علامت «؛» نادرست بوده، باید حذف و به جای آن علامت «:» آورده شود یا به جای آن از واژه «که» و بدون نیاز به علائم سجاوندی استفاده گردد: «گروهی معتقدند: ... / گروهی معتقدند که...». همین ایراد در ادامه مطلب بار دیگر تکرار شده است: «به اعتقاد عده‌ای دیگر؛ ترجمه در لغت بر وزن فعله...» (ص ۱۳، سطر ۴).

همچنین، «در این که ترجمه قرآن، قرآن نیست تردیدی وجود ندارد، چرا که قرآن به لسان عربی مبین نازل شده است» (ص ۲۱۲، سطر ۱۷)؛ از آنجا که عبارت «چرا که...» در بیان توضیح و تبیین است، باید بعد از فعل «ندارد» و قبل از شروع جمله توضیحی، به جای ویرگول از نقطه ویرگول استفاده می‌شد. همین ایراد در دو صفحه بعد مجدداً تکرار شده است: «از دیگر دلایل اثبات این موضوع که ترجمه قرآن، قرآن نیست، نقطه نظر مراجع و فقها در باب مس قرآن مجید است، به این معنا که...» (ص ۲۱۴، سطر ۶)؛ که بعد از فعل «است» - علی‌رغم توضیحی بودن جمله - به جای نقطه ویرگول از ویرگول استفاده شده است.

نیز از این قبیل است: ص ۲۱۹، سطر ۱۸؛ ص ۲۲۰، سطر ۱۷؛ ص ۲۲۲، سطر ۷؛ ص ۲۲۳، سطر ۲۵، ص ۲۲۴، سطر ۲۰ و موارد متعدد دیگری که در کل متن دیده می‌شود. لذا به جرئت می‌توان گفت جای‌جای متن سرشار است از دو علامت ویرگول و نقطه ویرگول که بدون رعایت قواعد سجاوندی به کار رفته است. بنابراین، تجدیدنظر در چاپ‌های بعدی کتاب ضروری است.

۲. رسم الخط و اشتباهات املائی. رعایت رسم الخط از جمله نقاط قوت کتاب است؛ اما در موارد معدودی اشتباهات املائی و چاپی وجود دارد. برای مثال، در فهرست مطالب کتاب و در فصل دوم، بند «۱-۱-۱-۲». ترجمه غیر رسمی» (ص ۲۹-۳۰) دوبار تکرار شده

است که مورد دوم آن باید به صورت «۲-۱-۱-۲». ترجمه رسمی» اصلاح شود. در همین فصل و در بند «۲-۲-۱-۲»، به جای عنوان «روض الجنان و روح الجنان»، عبارت «روض الجنان و روح الجنان» نوشته شده است. نوشتن واژه «زاممدارنی» (سطر ۱۴، ص ۲۹) به جای واژه «زاممدارانی»، از دیگر اشتباهات نوشتاری در متن است. در عبارت «در واقع نخستین ترجمه قرآن به زبان های اروپایی، همان ترجمه لاتینی بود...» (ص ۵۲، سطر ۱۵)، کلمه اروپایی به اشتباه به جای کلمه اروپایی نگاشته شده است. همچنین است عبارت «نمی-هشود» (سطر ۱۵، ص ۱۳۰) که عبارت صحیح آن، «نمی شود» است.

۳. شیوه به کار گرفتن افعال و ضمایر. آوردن افعال پشت سر هم، از جمله موارد گنگی متن است که در بعضی موارد دیده می شود، مانند: «در این که آیا این واژه عربی است یا عربی شده واژه در غمان که آن را دگرگون ساخته اند، اختلاف است.» (سطر ۱۸، ص ۱۴) که بهتر است گفت: در این که آیا این واژه عربی است یا عربی شده واژه در غمان، اختلاف هست. یا در جای دیگر آمده است: «متن و تأثیر و معلولی (effect) که تجربه می شود، تبیین می کند و نه صرف یک پیام که دریافت می شود.» (ص ۱۹، سطر ۱۱-۱۲). نیز آوردن اسامی به صورت مکرر و بدون استفاده از ضمیر نیز در بعضی موارد دیده می شود و همین امر زیبایی نثر را زیر سؤال می برد، مانند: «محمدعلی به سال ۱۹۵۱ در گذشت. محمدعلی از نخستین مترجمان انگلیسی قرآن در میان مسلمانان به شمار می آید.» (ص ۶۴، سطر ۹) که بهتر است به جای محمدعلی، در جمله دوم، ضمیر «او» را به کار برد.

۴. نثر کتاب. در این کتاب، گاهی اوقات با جملات و عباراتی مواجه می شویم که خواننده را با ابهام مواجه می کند؛ برای نمونه: «باید گفت که ملاک و معیار در ترجمه به هدف مترجم بستگی دارد، زیرا تفاوت دارد که هدف او انتقال معناست یا برگردان الفاظ؛» (ص ۸۱، سطر ۱۶). در این عبارات ضمن رعایت نکردن علائم سجاوندی [بستگی دارد؛ زیرا ← بستگی دارد، زیرا]، نثر آن نیز غیر ادبی بوده، بیشتر به زبان محاوره می ماند تا یک نثر علمی. همچنین است عبارت «به زبان قوم پیامبرش، عربی، نازل کند.» (ص ۲۲۳، سطر ۳-۴) که به دلیل نگارش نامناسب و غیر ادبی بودن عبارت در رعایت قواعد مربوط به عطف و بدل و...، ذهن خواننده را با ابهام و سر در گمی مواجه می سازد.

نیز به کار بردن لفظ مفرد بعد از عنوان جمع، که نثر متن را خدشه دار کرده است:

«هر گروهی از مسلمان» (ص ۱۷۳، سطر ۱) که در این جمله کلمه «گروهی»، هسته جمله را تشکیل داده و به صورت جمع آمده است؛ لذا اسم بعد از آن نیز بایستی جمع بوده، به شکل «گروهی از مسلمانان» به کار رود.

همچنین آوردن دو کلمه متضاد «ابتدا و بعد» در کنار هم: «ابتدا بعد از رجوع به آرای مفسران...» (ص ۲۲۷، سطر ۱۷) از دیگر مواردی است که نثر کتاب را تضعیف کرده است.

۵. اطناب در متن. درازنویسی در متن، همچون به کار بردن کلمات هم‌معنا، در موارد متعددی از متن دیده می‌شود؛ مواردی مثل: «ضروری و لازم» (ص ۲۹، سطر ۹)؛ «محال و ناممکن» (ص ۸۱، سطر ۱۵)؛ «ضروری و واجب» (ص ۸۲، سطر ۱۶)؛ «مثل و مانند» (ص ۸۵، سطر ۷)؛ «محال و غیرممکن» (ص ۹۱، سطر ۱۹ و ص ۹۲، سطر ۱۳)؛ «شرعی و دینی» (ص ۱۱۲، سطر ۴).

همچنین، آوردن جملات غیر ضرور و طولانی‌کننده متن که در صورت حذف، هیچ خللی در معنای آن وارد نمی‌کند: «برای ترجمه‌های قرآن انواع متنوع‌تری را برشمرده‌اند. در طول تاریخ، قرآن کریم ترجمه‌های گوناگونی را به خود دیده که می‌توان آن‌ها را به هفت دسته تقسیم کرد.» (ص ۸۰، سطر ۲۲-۲۳)؛ این فراز متشکل از دو جمله همسان است که با حذف هر کدام از آن‌ها، در معنای عبارت تغییری ایجاد نمی‌شود: «برای ترجمه‌های قرآن انواع متنوع‌تری را برشمرده‌اند که می‌توان آن‌ها را به هفت دسته تقسیم کرد.» یا «در طول تاریخ، قرآن کریم ترجمه‌های گوناگونی را به خود دیده که می‌توان آن‌ها را به هفت دسته تقسیم کرد.»

بنابراین، از آنجا که کارآمدی اثر علمی، به خصوص کتاب، غیر از توانایی علمی نویسنده، به مجموعه‌ای از عوامل دیگر وابسته است، چه بسا بی‌توجهی یا کم‌توجهی به آن عوامل، ارزش اثر را با ضعف مواجه سازد؛ از جمله، ناشر و ویراستار اثر. ناشر، مسئول به ثمر رساندن اثر نویسنده، در این خصوص باید دقت کافی به عمل آورد؛ از جمله در انتخاب ویراستار علمی و ادبی اثر، زیرا «ویراستار خوب قادر است پیام پدیدآور را پیراسته و آراسته سازد و با شفافیت و کیفیت بسیار بهتر از خود نویسنده، در اختیار مخاطب قرار دهد.» (منصوریان، ۱۳۹۲: ۱۰)؛ در کتاب مورد بحث، بازنگری در ویراستاری ضروری به نظر می‌رسد.

## محتوای کتاب

محتوای هر اثر علمی، مهم‌ترین بخش آن را تشکیل می‌دهد؛ یعنی وسیله‌ای برای نیل نویسنده به هدف خود از نگارش. لذا، برای تحقق این مهم، چگونگی گزینش داده‌ها و سازماندهی محتوای اثر از ابعاد مختلف مورد توجه قرار می‌گیرد که در کتاب مورد بحث، این‌گونه به محک نقد گذاشته می‌شود:

### ۱. انسجام و نظم منطقی در چینش و ارائه مطالب

- در فصل اول کتاب، به کلیات و مبحث معناشناسی پرداخته شده است و ادامه همان مباحث، مجدداً و به صورت مقدمه‌ای در ابتدای فصل سوم مطرح شده است و همین امر، بی‌انسجامی در تنظیم فصول را نشان می‌دهد؛ لذا بهتر آن بود که برای حفظ انسجام و رعایت نظم منطقی در ارائه مباحث، بحث انواع ترجمه قرآن و تعاریف مربوط به ترجمه‌های تحت‌اللفظی و معنوی در ادامه مباحث فصل اول مطرح می‌شد تا جای خالی آن و نیاز به طرح مجدد آن در فصل سوم کتاب ضرورت می‌یافت.

- در فهرست مطالب (ص ۵-۷) و فصل چهارم، عنوان ضرورت ترجمه قرآن و شبهات مخالفین آمده است و در ذیل آن، دلایل ضرورت ترجمه قرآن کریم، به شش مورد اشاره شده که در حقیقت دلایل موافقین ترجمه قرآن است. اما شبهات و دلایل مخالفین ترجمه قرآن در این عنوان دیده نمی‌شود و این مسئله نیز محل یکنواختی و انسجام در فهرست مطالب خواهد بود. پیشنهاد می‌شود که عنوان این فصل به «دلایل موافقین و مخالفین ترجمه قرآن کریم» تغییر یابد؛ چرا که دلایل ضرورت ترجمه، دلایل مورد استناد موافقین بوده و به کار بردن عنوان دلایل ضرورت، شائبه کلیت و مورد اتفاق بودن آن را تداعی می‌کند.

- در فصل دوم، مبحث ترجمه رسمی - هرچند در عنوان آن ایراد نگارشی وجود دارد- به معرفی ترجمه تفسیر طبری به عنوان کهن‌ترین و کامل‌ترین ترجمه فارسی پرداخته است؛ با وجود این، بلافاصله در مبحث کهن‌ترین و کامل‌ترین ترجمه‌های قرآن کریم به زبان فارسی، دو اثر کشف‌الاسرار و عدة‌الابرار و روض‌الجنان و روح‌الجنان را مطرح کرده که حاکی از بی‌نظمی و نانسجامی در ارائه مطالب است. در ادامه، علی‌رغم اینکه موضوع اصلی بحث، ترجمه فارسی کشف‌الاسرار و عدة‌الابرار است، بیشتر تفسیر و شیوه تفسیری مفسر مورد توجه و معرفی قرار گرفته و در کنار آن نیز به مباحث مربوط به ترجمه، به صورت کلی و نه خاص، اشاراتی شده است؛ در مورد تفسیر روض‌الجنان و روح‌الجنان نیز

به همین شیوه عمل شده است. برای رفع این نقص و ضعف، بهتر است مطالب مربوط به بُعد تفسیری اثر حذف شود تا هم کیفیت ترجمه مطالب بیشتر دیده شود و هم از اطناب غیر ضرور آن اجتناب شده باشد.

- در فصل پنجم، ذیل عنوان «پیش فرض فرهنگی و توجه به معنای واژگان غیر عربی»، بند «ب - لزوم توجه و جایگاه واژگان پارسی در ترجمه قرآن کریم» گنجانده شده است؛ حال آنکه بند الف آن ذکر نشده است.

## ۲. منابع مورد استناد

در خصوص منابع کتاب (ص ۲۳۷)، نویسنده ضمن توجه به آثار درون موضوعی متنوع و بااهمیت و همچنین مراجعه به ترجمه‌های متعدد از قرآن کریم، استفاده از منابع نویسندگان صاحب نظر در حوزه ترجمه را نیز در دستور کار قرار داده است؛ از جمله آثار صفارزاده<sup>۱</sup>، رضایی اصفهانی<sup>۲</sup>، آربری<sup>۳</sup>، حلبک<sup>۴</sup>، نایدا<sup>۵</sup> و صلح جو<sup>۶</sup> که با توجه به موضوع و هدف کتاب، در حد مقبول است.

## ۳. استنادات و ارجاع‌دهی در متن

استناد به سخنان و نظرات دیگران، چه در محاورات روزانه و چه در نگارش آثار علمی، بیانگر این است که اندیشه و نظر دیگران یاریگر و مکمل اندیشه ماست؛ لذا آنچه در این زمینه اهمیت دارد، تفکیک نظر خود از اندیشه و نظر دیگران است. اصول استناد و ارجاع‌دهی در آثار علمی - پژوهشی، معمولاً این گونه است که جملات و عبارات استناد داده شده به آن‌ها، داخل گیومه قرار گیرد و از سخن نویسنده تفکیک شود؛ اما مواردی در این اثر یافت می‌شود که این اصول رعایت نشده و در نتیجه، نویسنده رویه یکنواختی را

۱. طاهره صفارزاده، ۱۳۸۹، *اصول و مبانی ترجمه*، تهران: پارس کتاب

۲. محمدعلی رضایی اصفهانی، ۱۳۸۶، *منطق ترجمه قرآن*، تهران: مرکز جهانی علوم اسلامی

۳. محمد آربری، ۱۳۸۳، *خدمت و خیانت مترجمان قرآن*، ترجمه و تحقیق محمد رسول دریایی، تهران: نشر اندیشه اسلامی.

۴. بوریس حلبک، پاییز ۱۳۷۰، «علل و عوامل ترجمه»، ترجمه سید محمد رضا هاشمی، *فصلنامه مترجم*، سال اول، شماره ۱.

۵. یوجین نایدا، خرداد و تیر ۱۳۶۵، «نقش مترجم»، ترجمه سعید باستانی، *مجله نشر دانش*، شماره ۳۴.

۶. علی صلح جو، ۱۳۷۷، *گفتمان و ترجمه*، تهران: نشر مرکز.

اجرا نکرده است. ارجاعات موجود در صفحات ۳۰، ۳۳، ۳۷، ۱۳۷، ۱۵۹ و موارد متعدد دیگر که در جای جای متن مورد نظر وجود دارد، مواردی از بی توجهی به اصول مذکور است.

#### ۴. تناسب و جامعیت

همان‌طور که گفته شد، بین عنوان انتخاب شده برای کتاب با هدف نویسنده و محتوای اثر تناسب و تطابق وجود ندارد؛ اما از آنجا که هدف نویسنده در سراسر متن و در سیر گزینش و تنظیم محتوا، پاسخ به سؤال‌های مربوط به ترجمه قرآن، اثبات جواز و حتی لزوم ترجمه قرآن کریم، بیان شرایط ترجمه و مترجم است، در انتخاب عنوان اثر به دلیل نبود دقت و ظرافت، خطای سهوی رخ داده است و حتی خود نویسنده نیز در گفت‌وگوهای حضوری صورت گرفته با نگارنده مقاله حاضر بدان اذعان داشته است. لذا چنانچه در نوبت چاپ‌های بعد، عنوان کتاب به «تحلیل انتقادی انگاره ترجمه‌ناپذیری قرآن کریم» تغییر یابد، تناسب و جامعیت موضوعی و محتوایی با اهداف طراحی شده کتاب تحقق خواهد یافت.

#### ۵. کیفیت و شیوه تحلیل

جنبه‌های مختلف موضوع مورد بحث در این کتاب دیده شده و ضمن طرح، به ابهامات احتمالی آن پاسخ داده شده است؛ با این حال، از خطای در گزینش مطالب و تحلیل داده‌ها نیز مصون نمانده است که به شرح ذیل می‌آید:

#### الف) بی‌دقتی در گزینش و تنقیح مطالب

در فصل دوم که به رسالت معرفی ترجمه‌های فارسی و غیر فارسی از قرآن اختصاص دارد، چند ایراد محتوایی مربوط به بند ۲-۱-۲ (ص ۴۵-۳۶) به نام «کهن‌ترین و کامل‌ترین ترجمه‌های قرآن کریم به زبان فارسی» یافت می‌شود. اولین ایراد آن، در انتخاب و گزینش این دسته از ترجمه‌هاست؛ بدین معنا که علی‌رغم تعدد در ترجمه‌های کهن فارسی و انتخاب عنوان «کهن‌ترین و کامل‌ترین ترجمه‌های قرآن کریم به زبان فارسی» برای این قسمت، فقط به ذکر دو ترجمه بسنده شده است؛ گویا ترجمه‌های کهن فارسی، منحصر به دو تفسیر کشف‌الاسرار و عدة‌الابرار و روض‌الجنان و روح‌الجنان فی تفسیر القرآن می‌شود؛ حال آنکه می‌توان ترجمه‌های دیگری را در این قسمت فهرست نمود که هم از

کهن ترین ترجمه های فارسی محسوب می شوند و هم جزو ترجمه های منحصر به فرد به شمار می آیند؛ از آن جمله است ترجمه و تفسیر تاج التراجم فی تفسیر القرآن، اثر ابوالمظفر شاهفور بن طاهر بن محمد، که «با توجه به نقص ها و نارسایی هایی که ترجمه های قرآن تا عصر وی داشت، تحوّل در کار ترجمه پدید آورد. وی کوشید تا گذشته از یافتن کلمات کامل تر و رساتر و دقیق تر، با ترجمه عرفی بهتر به ترجمه معنایی و تفسیری آیات پردازد.» (بی آزار شیرازی، ۱۳۷۶: ۱۵۲)؛ ترجمه و تفسیر سورآبادی، اثر ابوبکر عتیق محمد هروی نیشابوری، از دیگر ترجمه های کهن فارسی است که در وصف آن آمده است: «فی وثاقه التحریر و عذوبه التقرير و دقه النظر من غیر نظیر» (ایازی، ۱۳۷۳: ۴۸۸)؛ همچنین ترجمه و تفسیر بصائر یمینی از معین الدین محمد بن محمود نیشابوری؛ «نثر بصائر که اساساً ترجمه منابع عربی است، روی هم رفته روان و فارسی درست است.» (آذرنوش، ۱۳۷۵: ۲۱۶). از دیگر ترجمه های مورد توجه قرارنگرفته، می توان از ترجمه و تفسیر نسفی، اثر ابوحفص نجم الدین عمر نسفی، مفسر و مورخ قرن پنجم هجری و ترجمه قرآن ری، اثر ابوعلی بن حسن بن محمد بن حسن خطیب، نام برد که به لحاظ زیبایی نثر، روانی متن، دقت در انتخاب واژگان، انطباق با دستور زبان فارسی و ساختار کلمات، از ترجمه های برگزیده سده های پنجم و ششم هجری هستند (ر.ک.: کوشا، ۱۳۹۳: ۴۵-۵۰).

- در فصل سوم (ص ۹۷-۱۰۷)، یازده شرط به عنوان شرایط لازم برای ترجمه قرآن کریم بررسی شده است. بعد از آن، در سرفصل «مشکلات ترجمه قرآن»، اولین مورد از مشکلات، به «دشواری کسب شرایط ترجمه» یعنی شرایط یازده گانه قبل اختصاص یافته است. اما در شرح آن، صرفاً به دشواری زبان و عدم امکان تسلط کامل مترجم در آن واحد به دو زبان اشاره داشته است؛ حال آنکه این مورد با شرط یازدهم از شرایط یازده گانه ترجمه، یعنی «تسلط مترجم و داشتن دانش زبانی کافی» سازگار است و نه با همه آنها. نویسنده، در فصل چهارم، با عنوان ضرورت ترجمه قرآن کریم و شبهات مخالفین، دلایلی به این شرح برای این ضرورت مطرح کرده است: «جهانی و جاودانی بودن دعوت خاتم الانبیاء (ص)، کثرت ترجمه های غلط و مترجمین مغرض، سیره علما، عقلا و متفکرین، محاسبه امت ها پس از استماع و فهم آیات قرآن کریم، منع ترجمه قرآن کریم: تکلیف مالایطاق و واجب نشدن فراگیری زبان عربی» (مروتی، ۱۳۹۴: ۱۱۶-۱۳۳). اما از آنجا که موضوع کتاب، جواز یا نبود ترجمه قرآن، قابلیت ترجمه قرآن و قابلیت نداشتن آن و یا به عبارت کلی تر، ترجمه قرآن در آغاز راه فهم آن و پس از مرتبه نزول آن است، دلیل دوم، یعنی کثرت ترجمه های غلط و مترجمان مغرض، با سایر دلایل مطرح شده به عنوان

ضرورت ترجمه، تناسب و همخوانی ندارد؛ زیرا این دلیل مربوط به لزوم انجام ترجمه‌های جدید از قرآن به دلیل ضعف در ترجمه‌های گذشته و غرض در مترجمان ماقبل است؛ اما سایر گزینه‌ها، ضرورت ترجمه در سرآغاز دعوت به فهم آیات قرآن کریم را مطرح می‌نمایند.

#### ب) فاصله گرفتن از اسلوب علمی

علاوه بر گزینش نادرست دلیل «کثرت ترجمه‌های غلط و مترجمین مغرض»، به عنوان یکی از دلایل ضرورت ترجمه قرآن کریم در کنار سایر دلایل و نبود تناسب موضوعی با آن‌ها، دو پاراگراف پایانی توضیح و تبیین آن نیز هم در نوع مطالب و هم در شیوه بیان آن‌ها، صبغه احساسی و شعاری به خود گرفته و از اسلوب و سرشت علمی خود فاصله گرفته است.

#### ج) ضد و نقیض بودن مطالب

نویسنده در فصل سوم (صفحه ۱۰۳) و در ذیل بحث «صریح و گویا بودن ترجمه آیات»، به عنوان یکی از شرایط لازم برای ترجمه قرآن کریم، معتقد است که: «ترجمه آیات قرآن کریم باید کاملاً صحیح، گویا، رسا و برای ناآشنایان به زبان عربی، قابل فهم و درک باشد؛ به طوری که خلاصه‌ای از تفسیر آیه به شمار آید و این کیفیت، با اضافه نمودن کلمات و جملات توضیحی در داخل کمانک و یا سایر علائم نگارشی متداول در زبان مقصد، امکان‌پذیر است». اما در جای دیگر از کتاب (صفحه ۱۹۵) بر این عقیده است که اگر در متن اصلی قرآن کریم برای خواننده عرب زبان ابهامی وجود دارد، باید به گونه‌ای ترجمه شود که همان ابهام برای خواننده ترجمه به زبان مقصد باقی بماند: «ترجمه قرآن می‌بایست براساس دقایق بلاغی و نحوی و سبک ویژه قرآن صورت گیرد و به مخاطب اجازه داده شود تا همان‌طور که یک عرب‌زبان در خوانش متن احیاناً با ابهامات و تعلیق‌هایی مواجه می‌شود، خواننده ترجمه قرآن نیز این مسائل را تجربه نماید و ضرورتی ندارد که همه چیز برای او، آشکار و تبیین گردد؛ بلکه این نکات ابهام و سؤال را می‌بایست در علم تفسیر جست‌وجو نمود».

با توجه به اینکه تفسیر عبارت است از روشن ساختن مفهوم آیات و رفع ابهام از چهره آن، ایشان در نظر اول بر این باورند که به واسطه ترجمه، همچون تفسیر، بایستی از



چهره آیات قرآن کریم رفع ابهام شود؛ این عقیده از آنجا نشئت می‌گیرد که نویسنده نیز همچون بسیاری دیگر، ترجمه معنوی و تفسیری از قرآن کریم را بهترین نوع ترجمه‌ای دانسته است که می‌تواند انجام گیرد. «در ترجمه تفسیری، بیشتر منظور برگرداندن معانی و مقاصد قرآنی است که تا حد مقدور، مراد و مقصد الهی در تربیت بشری به همه زبان‌ها منتشر گردد» (رامیار، ۱۳۶۹: ۶۵۱)؛ اما در نظر دوم خود، به دلیل رد نقش پیش‌فرض‌ها و ممنوعیت به کارگیری آن در ترجمه قرآن کریم، نظر اول خود را نقض نموده است. صرف نظر از درستی یا نادرستی نقش پیش‌فرض‌ها در ترجمه قرآن کریم، هدف از ترجمه، آسان‌سازی فهم قرآن برای مخاطبان آن است؛ اگر قرار باشد غوامض آیات به همان سبک زبان مبدأ ترجمه شود، این هدف محقق نخواهد شد. به عبارت دیگر، فهم قرآن برای غیر عرب‌زبانان، منوط به ترجمه آن است و ترجمه، «خود نوعی تفسیر و بازگشایی معانی آن تلقی می‌شود» (عقیقی‌بخشایشی، ۱۳۸۷: ۷۸)؛ لذا چنانچه ترجمه حامل غوامض و مشکلات نص اصلی قرآن باشد، چنین نتیجه‌ای بر آن مترتب نخواهد شد.

در فصل پنجم (صفحه ۲۱۵)، ذیل عنوان «منع قرائت ترجمه سوره فاتحه در نماز» بعد از بیان نظر علمای شیعه به عنوان قائلین به منع جواز قرائت ترجمه فاتحه در نماز آمده است که: «مذاهب دیگر نیز در منع قرائت ترجمه سوره فاتحه در نماز، اتفاق نظر دارند. در این مجال به اختصار به نظرات برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم: ...» ایشان در مورد دوم از این مذاهب که به گفته خود، قائل به منع جواز قرائت ترجمه فاتحه در نماز هستند، به مذهب حنفی اشاره کرده است؛ اما توضیح مربوط به آن، مخالف ادعای پیشین ایشان است (صفحه ۲۱۷): «ابوحنیفه، قرائت سوره فاتحه را به زبان فارسی برای کسی که عربی بداند یا نداند جایز می‌داند».

### هدف و نتیجه کتاب

یکی از معیارهای سنجش ارزش و کارآمدی یک کتاب، هدفمندی و میزان دستیابی نویسنده آن به هدف یا اهداف مورد نظر خود است؛ بنابراین، در بررسی یک اثر علمی می‌توان این سؤال‌ها را مطرح کرد که: آیا نویسنده در سیر نگارش کتاب، هدف خاصی را دنبال کرده است؟ در این صورت، نویسنده تا چه اندازه به هدف خود نزدیک شده است؟ آیا در پایان اثر، به هدف مورد نظر یا سرانجام مقبولی رسیده است؟ و سؤال‌هایی از این قبیل که میزان هدفمندی اثر و نویسنده اثر را به تصویر می‌کشد.

هدف کلی و اساسی کتاب *تحلیل انتقادی انگاره ترجمه قرآن کریم*، در مقدمه آن (صفحه ۱۰) و به صراحت، تحت عنوان «پاسخ مستند و مستدل به تمامی سؤال‌های مرتبط با ترجمه قرآن کریم»، بیان و هدف نویسنده در مسئله پژوهش نمایان شده است. لذا مهم‌ترین شاخص کارآمدی آثار علمی که همان هدفمند بودن آن است، در اثر مورد نظر وجود دارد: از یک سو موضوع آن به درستی انتخاب شده است؛ زیرا مسئله ترجمه قرآن به دلیل اهمیت و جایگاه آن در انتقال پیام الهی به همه نفوس بشری، یکی از مباحث مهم حوزه مطالعات قرآنی از گذشته تا به حال به شمار می‌آید که محل اختلاف آراء صاحب‌نظران در کم و کیف آن نیز بوده است و از سوی دیگر، ضمن طرح مجموعه‌ای از سؤال‌های توصیفی، به هدف آن نیز تصریح شده است؛ اما برای سنجش میزان دستیابی نویسنده کتاب به هدف مذکور، یعنی پاسخگویی مستند و مستدل به سؤال‌های مربوط به ترجمه قرآن کریم، بررسی مجموعه‌ای از معیارهای سنجش ضروری است:

۱. ترتیب منطقی هم در چینش فصول کتاب و هم در مطالب هر فصل به صورت مجزا، در دستیابی نویسنده به هدف تأثیرگذار است. در راستای هدفی که نویسنده کتاب دارد، انتخاب و ترتیب فصول کتاب مقبول است؛ فصول اول، دوم و سوم کتاب، در حقیقت مقدمه و پیش‌نیازهای مفهومی بحث را تشکیل می‌دهند و سپس به مسائل محل اختلاف و دارای ابهام در مورد ترجمه قرآن کریم و همچنین پاسخ به آن‌ها پرداخته شده است. اما در خصوص محتوای خود فصول به صورت مجزا، گاه‌آ ترتیب منطقی دارای خدشه می‌شود که در بخش مربوط به انسجام و نظم منطقی محتوا به آن پرداخته شد.
۲. از دیگر عوامل مؤثر در تحقق هدف نویسنده، تداوم روش تحقیق و نگارش آن است. این اثر سرشتی پژوهشی داشته، به دنبال پاسخگویی به مجموعه‌ای از سؤال‌های مربوط به موضوع ترجمه قرآن کریم است؛ لذا می‌طلبد که برای دستیابی به این هدف، ماهیت علمی و پژوهشی آن در طول دوره تدوین و نگارش و در کل اثر محفوظ بماند. اما همان‌طور که پیش‌تر آمد، فهرست مطالب و همچنین محتوای فصول آن جز در فصل چهارم، در حد یک اثر پژوهشی و مسئله محور تنظیم و تدوین نشده است. اما با اینکه کتاب صبغه انتقادی داشته، در نقد دیدگاه‌های مختلف و به ویژه در مباحث ترجمه‌های مختلف از قرآن کریم، بدون تعصب علمی و مذهبی، به طرح نظرات مختلف و گزینش دیدگاه‌های درست پرداخته است و این خود از ویژگی‌های کتاب به شمار می‌آید.

## بحث و نتیجه‌گیری

از شیوه‌های کارآمد کردن یک اثر علمی، نقد و بررسی و بیان نقاط ضعف و قوت آن از جنبه‌های گوناگون است. در این پژوهش تلاش شد با نگاه علمی و به دور از هرگونه تعصب، کتاب *تحلیل انتقادی انگاره ترجمه قرآن کریم* (مروتی، ۱۳۹۴) مورد بررسی و مطالعه نقادانه قرار گیرد. این کتاب اثری است که با هدف طرح سؤال‌ها و بیان ابهام‌های مربوط به حوزه ترجمه قرآن کریم و پاسخگویی مستند به آن سؤال‌ها و برطرف شدن ابهامات نگارش یافته است؛ لذا در نوع خود اثری حائز اهمیت بوده، تلاش نویسنده آن در انتخاب موضوع و گزینش و تحلیل داده‌ها شایسته تقدیر است. با این حال، با مطالعه و نقد اثر، صرف نظر از اهمیت موضوع کتاب و دغدغه ارزشمند نویسنده و همچنین غنای مطالب آن برای استفاده جامعه علمی و قرآنی، برخی ایرادات شکلی و محتوایی آن را آشکار ساخت که به منظور کارآمدی و غنای بیشتر مطالب، تجدید نظر و رفع آن اشکالات لازم به نظر می‌رسد. مجموعه این اشکالات و نقاط ضعف در قالب قواعد نگارشی، اشتباهات نوشتاری، اصول نقطه‌گذاری و سجاوندی و مهم‌تر از همه، مباحث مربوط به درونمایه و گوهر متن مطرح می‌شود که باید در تجدید نظر و چاپ‌های بعدی اثر مورد توجه قرار گیرد. از جمله مهم‌ترین ایرادات محتوایی عبارت است از: نبود انسجام و نظم منطقی در چینش و ارائه مطالب در چند مورد، بی‌دقتی در گزینش و تنقیح مطالب در چند جای کتاب و همچنین ضد و نقیض بودن برخی از مطالب کتاب؛ به این معنا که نویسنده در یک جای کتاب نظری را مطرح کرده که در جای دیگر آن را رد نموده است.

## منابع

### قرآن کریم.

- آذرنوش، آذرتاش (۱۳۷۵). *تاریخ ترجمه از عربی به فارسی*، تهران: سروش.
- احمدی گیوی، حسن، حاتمی، اسماعیل، شاکری، یدالله و محمد طباطبایی اردکانی (۱۳۸۲). *زبان و نگارش فارسی*، تهران: سمت.
- امینی، سعیده (۱۳۹۷). «معرفی و نقد کتاب جامعه‌شناسی انقلاب و انقلاب‌های اجتماعی»، *پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*، دوره ۱۸، شماره ۱۲، ص ۶۹-۸۳.
- ایازی، محمدعلی (۱۳۷۳). *المفسرون حیاتهم و منهجهم*، تهران: وزارت ارشاد.
- بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم (۱۳۷۶). *قرآن ناطق*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حری، عباس، (۱۳۸۰). *آیین نگارش علمی*، تهران: دبیرخانه هیئت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور.

- خویی، ابوالقاسم (۱۳۸۴). *البيان في تفسير القرآن*، ترجمه جعفر حسینی، تهران: دارالثقلین.
- رامیار، محمود (۱۳۶۹). *تاریخ قرآن*، تهران: امیر کبیر.
- رضا، محمدرشید (۲۰۰۸م). *ترجمه القرآن و مافیها من المفاسد و منافاه الاسلام*، امریکا: دارالمنار.
- زرقانی، محمد عبدالعظیم (۱۳۸۵). *مناهل العرفان فی علوم القرآن*، ترجمه محسن آرمین، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- زرکشی، بدرالدین محمد بن بهادر (بی تا). *البحر المحيط فی اصول الفقه*، محرر: عبدالقادر عبدالله عانی، کویت: دارالصفوه.
- شاطر، محمد مصطفی، (۱۳۵۵ق). *القول السدید فی حکم ترجمه القرآن المجید*، القاهرة: مطبعه حجازی.
- عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم (۱۳۸۷). *طبقات مفسران شیعه*، قم: نوید اسلام.
- کوشا، محمد علی (۱۳۹۳). *ترجمه آموزی قرآن کریم*، تهران: احسان.
- مروتی، سهراب (۱۳۹۴). *تحلیل انتقادی انگاره ترجمه قرآن کریم*، ایلام: جوهر حیات.
- معرفت، محمد هادی (۱۳۷۹). *تفسیر و مفسران*، جلد اول، قم: مؤسسه فرهنگی تمهید.
- منصوریان، یزدان (۱۳۹۲). «صد و یزگی کتاب های دانشگاهی کارآمد و اثربخش»، پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، شماره ۲۹، ص ۱-۱۷.
- نقی پورفر، ولی الله (۱۳۸۱). *پژوهشی پیرامون تدبیر در قرآن*، تهران: اسوه.